اطوار شهرت قرائات در دوره‌های مختلف

> و الشهید الثانی أجاب عما أشکل علی الرازی کما سمعت بأنه لیس المراد بالتواتر هنا أن کل ما ورد من هذه السبع متواتر بل المراد انحصار المتواتر الآن فیما نقل من هذه القراءات فإن بعض ما نقل عن السبعة شاذ فضلا عن غیرهم کما حققه جماعة من أهل هذا الشأن انتهی و قال سبطه بعد نقل هذا عنه هذا مشکل جدا لکن «لکون ظ» المتواتر لا یشتبه بغیره کما یشهد به الوجدان انتهی (قلت) و کلامه هذا بظاهره قد یخالف کلامه السابق من أن الکل نزل به جبرئیل إلی آخره فلیلحظ ذلک علی أنه ذکر الکلامین فی کتاب واحد و هو المقاصد العلیة و الجمع بینهما ممکن[۱]

روی حدسیاتی که در فضای مباحثه قوی می‌شود، عرض کردم «والشهید الثانی اجاب» تا «فلیحظ ذلک» و «والجمع بینهما ممکن»، طرح اصل مطلبش در حدائق بود. یعنی «اجاب» برای ایشان نیست. ایشان «اجاب» را نمی‌گوید. بلکه صاحب حدائق «اجاب» را فرموده‌اند. اما طوری که برداشت صاحب حدائق بوده ایشان حرف را می‌آورند و بعد می‌گویند اینکه در یک کتاب است! بعد می‌گویند «و الجمع بینهما ممکن». اما نمی‌گویند که چطور ممکن است.

گویا این بخش از آن اشاره به این است که حل ممکن است و تناقض نیست و حرف صاحب حدائق سر نمی‌رسد. همین اندازه فرمودند. خب همین اندازه هم خوب است. عرض کرده بودم که در جلسه بعدی حدائق را مرور کنیم تا ببینیم ایشان این بخش را چطور برگذار کرده‌اند. قبل از آن نکاتی را که تازگی برخورد کرده‌ام را به اندازه چند لحظه خدمتتان می‌گویم.

یکی برای مرحوم مجلسی اول رضوان‌الله‌علیه در لوامع صاحب قرانی، جلد چهارم، صفحه ۶۵ است. ایشان در بحبوحه حکومت صفویه در ایران بوده‌اند. ظاهراً آن دفعه گفتم که وفاتشان در ۱۰۷۰ بوده. در مهمترین ایام آن زمان بوده‌اند. ایشان در لوامع می‌فرمایند:

> و اولی آنست که از چهارده روایت تعدّی نکنند و جمعی از اصحاب ترجیح قرائت بکر کرده‌اند و جمعی حفص را اختیار نموده‌اند[۲]

قراء سبعه چهارده راوی دارند. همانطور که می‌گوید «قرآن زبر بخوانی با چهارده روایت». ایشان می‌فرمایند: «**اولی آن است که از چهارده روایت تعدی نکنند**». منظور من بعدی است: «**و جمعی از اصحاب**»؛ یعنی امامیه،«**ترجیح قرائت بکر کرده‌اند**»؛ یعنی قرائت ابوبکر شعبة بن عیاش که یکی از رواة از عاصم است.«**و جمعی حفص را اختیار نموده‌اند**». این فرمایش

مجلسی اول است که بازتاب فضای زمان صفویه است. لذا اینکه گفته می‌شود قرائت حفص همیشه بوده، درست نیست.

این عبارت روشنی از مجلسی اول است که می‌گویند اصحاب ما به این صورت اختیار کرده‌اند. البته از نظر فنی اختیاری که ایشان می‌گویند خیلی متأخر است. چرا؟ چون شیخ الطائفه و مرحوم طبرسی تصریح کردند که اجماع امامیه بر این است که حرف واحد است و به‌دنبال آن فرمودند «کره‌وا تجرید القرائه». امامیه کاری نکردند که یک قرائت را جلو بیاندازند و بگویند این قرائت امامیه است. به خلاف اهل‌سنت. اهل‌سنت این کارها را می‌کردند.

مثلاً مالکیه از روز اول میخش را کوبیده بودند. چون مالک فقیه مدینه و معاصر نافع بود، البته ابن حنبل هم دارد که قرائت نافع را گفت. مالکی ها الآن هم به‌خاطر مالکی بودنشان بر مصحف ورش محافظت تام دارند. ورش از نافع. ای قالون از نافع. در غرب آفریقا کاملاً مواظبت دارند. عرض کردم کسی که خودش رفته بود، گفت در فرودگاه الجزائر کیف من را تفحص کردند؛ اگر قرآن حفص را ببینند ضبط می‌کنند. می‌گویند ورود مصحف حفص به الجزائر ممنوع است. من هم لیک قانونش را هم در فدکیه گذاشته‌ام. قانون مجلس آنها بود. بعد از پنج-شش سال درگیری و رفت‌وبرگشت، در نهایت قانون تصویب کردند. مصحف رسمی الجزائر، مغرب مصحف ورش است. یعنی قرائت نافع. چرا؟ چون مالکی هستند. مذهب آنها دخالت می‌کند.

اما شیخ الطائفه فرمودند فقهاء بزرگ شیعه از روز اول از زمان معصومین تا به حال «کره‌وا تجرید القرائه». گفتند چرا یکی از اینها باشد؟! نافع، ابن مسعود، عاصم و ... . اسم‌هایی که می‌آید نه. بلکه «اقرئوا کما یقرأ الناس». تعبیر شیخ الطائفه «الجائز» بود. «ان القرائة الجائزة»؛ جایزی که متعارف بین قراء است. خب پس این یکی است.

البته قبلاً گفته بودم؛ مرحوم ملافتح الله کاشانی که در سال 988 وفات کردند، ایشان در تفسیر منهج الصادقین از هر دو اسم می‌برند و می‌گویند عاصم دو راوی دارد؛ ابوبکر و حفص.

> دوم حفص بن مغيره اسدى بزاز كوفيست و كنيه او ابو عمرو است و او رجحان دارد بر ابو بكر در اتفاق قراءة و ضبط آن وفاتش هم در كوفه بوده است[3]

می‌گویند او –حفص- بر ابوبکر رجحان دارد، در اتقان قرائت و ضبط آن. البته ظاهراً در این نسخه «اتفاق» آمده ولی منظور ایشان اتقان بوده. این را تذکر داده‌اند.

در خلاصة المنهج وقتی می‌خواستند خلاصه کنند، فرمودند: خب در منهج الصادقین حفص اتقان دارد و ابوبکر هم خوب است اما حالا که می‌خواهم خلاصه کنم کدام را بیاورم؟ من که همه را نمی‌خواهم بیاورم. در آن جا فرموده‌اند:

> از قرائت معتبره بروايه بكر از عاصم كه در ميان عجم شهرتى تمام دارد اختصار خواهد رفت و ببعضى كلمات كه حفص را با او طريق مخالفت و معنى كلام بسبب آن اختلاف تغيير مى‌يابد اشارتى با او خواهد شد[4]

یعنی وقتی میخواستند خلاصه کنند شهرت حفص کمتر بوده، لذا خلاصهٔ المنهج را روی قرائت ابن عیاش پایهگذاری کردند. خب این هم برای آن زمان. ولی مرحوم مجلسی اول هر دو را ذکر کردهاند. این نکتهای که برخورد کردم.

شاگرد: رجحان در ضبط به چه معنا است؟ اینکه ضبط یکی کمتر و دیگری بیشتر است به چه معنا است؟

استاد: ایشان گفتند «در اتقان قرائت و ضبط آن». اگر راجع به حفص صحبت شد، از قدیم عدهای میگویند حفص ضعیف است. از ذهبی و دیگران و قبل از او این را میگویند. از سابق نقل شده که عدهای بودهاند که ابوبکر را بر حفص حسابی ترجیح میدادند. عدهای دیگر هم نه؛ در خود السبع ابن مجاهد هم هست که حفص را برتری میدادند. این اتقان و ضبط او برای همان قدیم است، چیزی نیست که ایشان الآن فرموده باشند.

شاگرد: منظورم این است که آیا احتمال میدادند اشتباه بنویسد یا خوب ضبط نکند؟ در ذهنیت الآن ما این هست که اشتباه نمی شده.

استاد: مثلاً میبینید ظرافت کاریهایی در خود جلسات اقراء پیش میآید که میگویند در اینجا حفص از عاصم بهتر آورده است. در ترجیحات این چنینی بحث کلیای هست که من در نکته سوم عرض میکنم. این روال از استدلالات برای خودش یک طیفی را تشکیل میدهد، موازی طیف دیگری از بعضی از قراء. یعنی از روز اول عدهای هستند که ریخت حرفشان اینها را بر نمی تابند؛ اینکه شما بگویید حفص از اتقان بیشتری برخوردار است. این را در نکته سوم عرض میکنم. ولی خب این را گفتهاند.

---

[1]مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة(ط - دار الاحياء التراث) ج۲ ص۳۹۳

[2] لوامع‌صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه ج۴ ص۶۶

[3] تفسيرمنهج‌الصادقين‌فی‌الزام‌المخالفين ج۱ ص۵

[4]تفسير خلاصه منهج الصادقين، ج۱، ص: ۳

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 15:01:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 12:40:33 توسط ... .